

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾

ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است (که این کتاب، معجزه الهی است).

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾

ولی کافران گرفتار غرور اختلافند!

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلا تَـ

حِينَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم؛ و به هنگام نزول عذاب فریاد می‌زدند (و کمک می‌خواستند) ولی وقت نجات گذشته بود!

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا
سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾

آنها تعجب کردند که پیامبر بیم‌دهنده‌ای از میان آنان به سویشان آمده؛ و کافران
گفتند: این ساحر بسیار دروغگویی است!

أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ ﴿٥﴾

آیا او بجای اینهمه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این براستی چیز عجیبی است!

وَإِنظَلِقَ الْمَلَأُ مِنْهُمُ أَنَّ امشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى
 إِلَهْتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾

سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند: «بروید و خدایانتان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته‌اند (شما را گمراه کنند)!

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا خِتِلَاقٌ ﴿٧﴾

ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده‌ایم؛ این تنها یک ساختگی است!

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ
ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿٨﴾

آیا از میان همه ما، قرآن تنها براو [محمد] نازل شده؟! « آنها در حقیقت در اصل وحی
من تردید دارند، بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده‌اند (که این چنین گستاخانه
سخن می‌گویند)!

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾

مگر خزاین رحمت پروردگار توانا و بخشنده‌ات نزد آنهاست (تا به هر کس میل دارند بدهند)؟!

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
 فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿١٠﴾

یا اینکه مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟! (اگر چنین است) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروند (و جلو نزول وحی را بر قلب پاک محمد بگیرند)!

جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ﴿۱۱﴾

(آری) اینها لشکر کوچک شکست خورده‌ای از احزابند!

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند!

وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ
الْأَحْزَابُ ﴿١٣﴾

و (نیز) قوم تمود و لوط و اصحاب الایکه [قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به
تکذیب پیامبران برخاستند)!

إِنَّ كُلَّ الْكَاذِبِينَ كَذَّبَ الرُّسُلَ أَفْحَقْ عِقَابِ ﴿١٤﴾

هریک (از این گروه‌ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت!

وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ﴿١٥﴾

اینها (با این اعمالشان) جز یک صیحه آسمانی را انتظار نمی‌کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد (و همگی را نابود می‌سازد)!

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

آنها (از روی خیره‌سری) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را از عذاب هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده!»

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ

أَوَّابٌ ﴿١٧﴾

در برابر آنچه می‌گویند شکیبیا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که
او بسیار توبه‌کننده بود!

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِثِيِّ وَإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾

ما کوهها را مسخر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می گفتند!

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾

پرندهگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)؛ و همه
اینها بازگشت کننده به سوی او بودند!

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾

و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه!

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخُسْفِ إِذْ تُسَوِّرُوا الصَّوَارِيَ الْمُحْرَابَ ﴿٢١﴾

آیا داستان شاکیان هنگامی که از محراب (داوود) بالا رفتند به تو رسیده است؟!

دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ

در آن هنگام که (بی مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند:
«نترس،»

خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَأَحْكُمَ بَيْنَنَا
بِالْحَقِّ وَلَا تَشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿۲۲﴾

دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما برد دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری
کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن!

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَإِيَّيَّ نَعَجَةٌ
 وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾

این برادر من است؛ و او نود و نه میش دارد و من یکی بیش ندارم اما او اصرار می کند که:
 این یکی را هم به من واگذار؛ و در سخن بر من غلبه کرده است!

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ
 كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ

(داوود) گفت: «مسئلاً او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده؛ و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم می کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند؛ اما عدّه آنان کم است!»

وَزَنَّ دَاوُدُ أَنْمَا فَتْنَاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَ

أَنَابَ ﴿۲۴﴾

داوود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده‌ایم، از این رو از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد.

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ

مَآبٍ ﴿٢٥﴾

ما این عمل را براو بخشیدیم؛ و او نزد ما دارای مقامی والا و سرانجامی نیکوست!

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛

إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند!

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ
 ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛
 وای بر کافران از آتش (دوزخ)!

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ
كَالْفُجَّارِ ﴿٢١﴾

آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در
زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ
لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان
متذکر شوند!

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾

ما سلیمان را به داود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت
می کرد (و به یاد او بود)!

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾

به خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو را براو عرضه داشتند،

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى
تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾

گفت: «من این اسبان را بخاطر پروردگارم دوست دارم (و می خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم)، او همچنان به آنها نگاه می کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند.

رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطْفِقْ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿۳۳﴾

(آنها به قدری جالب بودند که گفت:) بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید! و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد).

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ
أَنَابَ ﴿۳۴﴾

ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم؛ سپس او به درگاه خداوند توبه کرد.

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ
بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾

**گفت: پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس
نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای!**

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ يَجْرِ بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾

پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمانش بنرمی حرکت کند و به هر جا او می خواهد برود!

وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ ﴿٣٧﴾

و شیاطین را مسخر او کردیم، هر بنا و غواصی از آنها را!

وَأَخْرَيْنَ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾

و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم،

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾

(و به او گفتیم:) این عطای ما است، به هر کس می خواهی (و صلاح می بینی) ببخشی، و از هر کس می خواهی امساک کن، و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)!

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٠﴾

و برای او [سلیمان] نزد ما مقامی ارجمند و سرانجامی نیکوست!

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ
 الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾

و به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!)
 شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است.

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

(به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است!

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى
لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾

و خانواده‌اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را بر آنان افزودیم، تا رحمتی از سوی ما
باشد و تذکری برای اندیشمندان.

وَأَخَذُ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاصْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا
 وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾

(و به او گفتیم:) بسته‌ای از ساقه‌های گندم (یا مانند آن) را برگیر و با آن (همسرت را) بزن و سوگند خود را مشکن! ما او را شکیبایافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود!

وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَ اسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ اُولِي
الْاَيْدِي وَ الْاَبْصَارِ ﴿٤٥﴾

و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستها (ی نیرومند)
و چشمها (ی بینا)!

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾

ما آنها را با خلوص ویژه‌ای خالص کردیم، و آن یادآوری سرای آخرت بود!

وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾

و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند!

وَإِذْ كُنَّا إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ
الْأَخْيَارِ ﴿٤١﴾

و به خاطر بیاور «اسماعیل» و «الیسع» و «ذا الکفل» را که همه از نیکان بودند!

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٩﴾

این یک یادآوری است، و برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است:

جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾

باغهای جاویدان بهشتی که درهایش به روی آنان گشوده است،

مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَ

شَرَابٍ ﴿٥١﴾

در حالی که در آن برتختها تکیه کرده‌اند و میوه‌های بسیار و نوشیدنیها در اختیار آنان است!

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَثْرَابٌ ﴿٥٢﴾

و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته‌اند، و همسن و سالند!

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾

این همان است که برای روز حساب به شما وعده داده می شود (وعده‌ای تخلف ناپذیر)!

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ﴿٥٤﴾

این روزی ما است که هرگز آن را پایانی نیست!

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّٰغِيْنَ لَشَرَّ مَا بِ ﴿٥٥﴾

این (پاداش پرهیزگاران است)، و برای طغیانگران بدترین محل بازگشت است:

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾

دوزخ، که در آن وارد می شوند؛ و چه بستر بدی است!

هَذَا فَلْيَذُقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾

این نوشابه «حمیم» و «غسّاق» است [دو مایع سوزان و تیره رنگ] که باید از آن
بچشند!

وَأَخْرَجْنَا مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجُ ﴿٥٨﴾

و جزاینها کیفرهای دیگری همانند آن دارند!

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا

النَّارِ ﴿٥٩﴾

(به آنان گفته می شود:) این گروهی است که همراه شما وارد دوزخ می شوند (اینها همان سران گمراهیند)؛ خوشامد بر آنها مباد، همگی در آتش خواهند سوخت!

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْرَجِبَاءُ بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا
 فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾

آنها (به رؤسای خود) می‌گویند: «بلکه خوشامد بر شما مباد که این عذاب را شما برای ما فراهم ساختید! چه بد قرارگاهی است اینجا!»

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَاباً ضِعْفاً فِي

النَّارِ ﴿٦١﴾

(سپس) می‌گویند: «پروردگارا! هرکس این عذاب را برای ما فراهم ساخته، عذابی مضاعف در آتش بر او بیفزاید!»

وَقَالُوا مَا لَنَا لَأَنزَرِي رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ
الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾

آنها می گویند: «چرا مردانی را که ما از اشرار می شمردیم (در اینجا، در آتش دوزخ)
نمی بینیم؟!»

أَتَّخِذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾

آیا ما آنان را به مسخره گرفتیم یا (به اندازه‌ای حقیرند که) چشمها آنها را نمی‌بیند؟!

إِنَّ ذَلِكَ لَمَقْرُونٌ
يَخَاصِمُ أَهْلَ النَّارِ ﴿٦٤﴾

این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان!

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾

بگو: «من تنها یک بیم‌دهنده‌ام؛ و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهار نیست!

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار عزیز و غفار!

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾

بگو: «این خبری بزرگ است،

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾

که شما از آن روی گردانید!

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾

من از ملأ اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (درباره آفرینش آدم) مخاصمه می کردند خبر ندارم!

إِنَّ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾

تنها چیزی که به من وحی می شود این است که من اندازکننده آشکاری هستم!

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ ﴿٧١﴾

و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می‌آفرینم!»

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ

سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿۷۳﴾

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند،

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾

جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود!

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ
بِيَدَيَّ أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿۷۵﴾

گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)»

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ

طِينٍ ﴿٧٦﴾

گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!»

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾

فرمود: «از آسمانها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی!

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٧٨﴾

و مسلماً لعنت من برتو تا روز قیامت خواهد بود!

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾

گفت: «پروردگارا! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می شوند مهلت ده!»

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٨٠﴾

فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی،

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾

ولی تا روز و زمان معین!

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٢﴾

گفت: «به عزت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد،

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٣﴾

مگر بندگان خالص تو، از میان آنها!

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿١٤﴾

فرمود: «به حق سوگند، و حق می گویم،»

لَأْمَلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿١٥﴾

که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!»

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ
الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿١٦﴾

(ای پیامبر!) بگو: «من برای دعوت نبوت هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم، و من از متکلفین نیستم! (سخنانم روشن و همراه با دلیل است!)»

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾

این (قرآن) تذکری برای همه جهانیان است؛

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُ بَعْدَ حِينٍ ﴿۸۸﴾

و خبر آن را بعد از مدتی می شنوید!

صدق الله العلي العظيم